

The challenge of unconventional dowry with emphasis on the perspective of contemporary jurists

1- Ehsan Vahed Jouybari

2- Ali Akbar Jahani^۱

3- Mohammad Mahdi Zarei

Abstract.

Dowry, as one of the most important rights that a husband has towards his wife, originated from the pre-Islamic era, and Islam has emphasized that from the perspective of Imamiyyah and Sunni jurisprudence, there is no room for doubt, especially since today the way it is determined has become very important. Since the dowry has distanced itself from its existential philosophy and a culture of misplaced belief has spread that considers the amount of dowry to be equal to the value and status of the woman, it has been able to lead to pride even in the traditional strata of society, and unfortunately, the terrible consequences it causes are not paid attention to. Now, considering Islam's emphasis on the desirability of a small dowry, it is necessary to refer to jurisprudential sources. Some jurists, especially the early jurists, believe that there is no ceiling in determining the dowry and consider it illegitimate to determine any ceiling for it, and the husband is obligated to pay the entire dowry. However, another group of jurists, citing some Islamic traditions and rules, and considering the requirements of the time, believed that an unconventional dowry is invalid in the event of lack of ability to pay. Given the lack of intention to pay such an irrational debt and the lack of ability to submit, today it can be believed that such a dowry is invalid.

Keywords: Acceptance and Offer, Metaverse, Electronic Contracts, Smart Contracts

چالش مهریه نامتعارف با تاکید بر دیدگاه فقهای معاصر

احسان واحد جویباری^۱علی اکبر جهانی^۲محمد مهدی زارعی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۱

چکیده

مهریه به عنوان یکی از مهمترین حقوقی است که زوج در قبال زوجه دارد، نشأت گرفته از دوران قبل از اسلام است و اسلام هم بر آن تاکید نموده که از دید فقهای امامیه و اهل سنت جای تردید ندارد، به ویژه که امروزه نحوه تعیین آن بسیار اهمیت پیدا کرده است. از آنجا که مهریه از فلسفه وجودی خویش فاصله گرفته و فرهنگ نابجایی رواج پیدا کرده است که میزان مهریه را مساوی با ارزش و مقام زن می‌دانند توانسته منجر به ایجاد تفاخر حتی در قشر سنتی جامعه نیز بشود و متأسفانه به عواقب وحشتناکی که ایجاد میکند توجهی نمی‌شود. حال با توجه به تاکید اسلام به استحباب در قلت مهریه، ضرورت مراجعه به منابع فقهی ایجاد می‌شود. عده ای از فقها، بخصوص فقهای متقدم معتقدند سقفی در تعیین مهریه وجود ندارد و تعیین هرگونه سقفی را برای آن نامشروع می‌دانند و زوج در پرداخت تمام مهریه مدیون است. اما در مقابل گروهی دیگر از فقها با استناد به بعضی از روایات و قواعد اسلامی با توجه به مقتضیات زمان در صورت عدم قدرت در پرداخت قائل به باطل بودن مهریه نامتعارف شدند. با توجه به عدم قصد در پرداخت چنین دین غیرعقلایی و همچنین عدم قدرت تسلیم، امروزه می‌توان قائل به باطل بودن چنین مهریه ای شد.

واژگان کلیدی: مهریه، طلاق، نکاح، قانون حمایت خانواده، حقوق زوج.



^۱ - دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

^۲ - (نویسنده مسئول) استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

^۳ - دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

مقدمه

ازدواج یک پیمان مشترکی است که خداوند متعال جهت تکامل انسانها قرارداده و دارای ارزش‌های والا در متن جامعه هم هست. با شکل‌گیری عقد ازدواج، آثار و حقوقی به وجود می‌آید که زوجین باید بر عمل کردن و حفظ آن تا حد ممکن تلاش کنند. بطور کل حقوق مترتب بر ازدواج به دو شیوه مالی و غیر مالی تقسیم می‌شود. یکی از مهم‌ترین حقوق مالی، مهریه است از گذشته‌های دور تا به امروز، موضوع مقدار مهریه به‌ویژه از نظر افزایش آن، همواره مورد بحث و جدل‌های فراوانی میان فقهاء و حقوقدانان اسلامی بوده است. به‌گونه‌ای که برخی از آنان به فکر تعیین حداکثری برای مهریه افتاده‌اند. نقطه آغازین این مناقشات به دوران عمر بن خطاب باز می‌گردد که وی دستوری صادر کرد مبنی بر اینکه مهریه زنان نباید از چهل اوقیه (پانصد درهم معادل مهر السنه) تجاوز کند. همچنین، او تأکید کرد که هر میزان که بیشتر از این مقدار به‌عنوان مهریه تعیین شود، باید به خزانه دولت بازگردانده شود.

امروزه مهریه به‌عنوان یک حق مالی متعلق به زنان شناخته می‌شود، اما گاهی اوقات شاهد مهریه‌های بسیار بالا و غیرمعمول هستیم که با مفهوم واقعی آن در اسلام و قوانین موجود مطابقت ندارد. افزایش مهریه در سال‌های اخیر می‌تواند ناشی از تغییرات ساختاری در باورها، نگرش‌ها، رفتارها و انتظارات جامعه باشد.

به نظر می‌رسد این نوع مهریه‌ها بیشتر به‌عنوان ابزاری برای تضعیف حقوق قانونی شوهران استفاده می‌شود تا اینکه به معنای واقعی صداق و مهر محسوب شوند. در حالی که بر اساس شرع و قوانین، مهریه باید فوراً بعد از عقد به زن تعلق گیرد و بر شوهر الزامیست که آن را پرداخت کند، امروزه این مبلغ در زمان عقد به‌طور مستقیم پرداخت نمی‌شود و در عوض به صورت یک تعهد سنگین در اختیار زن قرار می‌گیرد. این امر به او این امکان را می‌دهد که از این قدرت برای اعمال نظر و تهدید بهره‌برد. متأسفانه، در برخی موارد مهریه به وسیله‌ای برای خودستایی و تفاخر تبدیل شده است و به تدریج از کارکرد اصلی و اهداف آن فاصله می‌گیرد.

به هر حال آنچه مدنظر ما در این نوشتار است تأثیری است که گزاف بودن میزان مهر بر وضعیت عقد و مهر می‌گذارد. در حقیقت سوال آن است که جایگاه چنین مهریه‌های سنگینی در آموزه‌های دینی چیست و آیا می‌توان چنین مهری را به دلیل به دلیل فقدان قدرت بر تسلیم باطل فرض کرد؟

مفهوم شناسی

مهریه

در لغت: مهر. کابین، دست پیمان. شیربها. در اصطلاح مقدار مال یا وجهی است که به هنگام ازدواج یا پس از آن شوهر در عوض تمتع به زن می‌دهد و باید مقدار آن معلوم باشد (فرهنگ معین)

قنطار

واژه قنطار در قرآن کریم، در باره مهر زنان به کار رفته است: «... وَ آتَيْتُمُ إِحْدَاهُنَّ قَنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا...» و اگر قنطاری (به عنوان مهر) به یکی از آنان (همسرانتان) که می‌خواهید رهاش کنید) داده بودید، هیچ چیز از آن را پس مگیرید».

مفسران قنطار را در آیه شریفه کنایه از مال زیاد دانسته‌اند. لغویان در معنای آن اختلاف دارند. وزن چهل اوقیه طلا یا نقره؛ هزار و دویست اوقیه طلا یا نقره؛ هزار دینار؛ هفتاد هزار دینار؛ هشتاد هزار درهم؛ یک پوست گاو پر از طلا یا نقره و صد رطل طلا یا نقره از جمله معانی و مقادیری است که لغویان برای قنطار ذکر کرده‌اند. همه این معانی بیانگر مفهوم مشترک برای قنطار است که عبارت است از همان مال زیاد مورد نظر مفسران. از این عنوان به مناسبت در باب نکاح سخن گفته‌اند (ابن‌منظور، ۱۳۷۵: ج ۲/۴۱۱).

به قول مشهور، مهر از جانب کثرت حدّ و اندازه‌ای ندارد و می‌توان قنطار (مال زیاد) را مهر زن قرار داد؛ چنان که آیه شریفه بر آن دلالت دارد. (نجفی، ۱۴۳۲ق ج: ۱۳/۳۱) این آیه در باب نکاح و طلاق بر حرمت اجبار زن توسط شوهر برای بازگرداندن و بخشیدن مهریه خود به او استدلال شده است. همچنین از آن جا که قنطار کنایه از مال زیاد است، آیه یاد شده از دلایل نبود حدّی برای زیادی مهر است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ه.ق: ۱۸۶)

فلسفه مهریه

مستفاد از آیه ۹ سوره تکویر که میفرماید «بای ذنب قتبت» می‌توان گفت که که اعراب جاهلی برای زنان و دختران ارزشی قائل نبودند، اغلب مهریه را که حق مسلم زن بود، در اختیار اولیای آنها قرار می‌دادند، و آن را ملک مسلم خود و به اصلاح، حق الزحمه و شیربهای خود می‌دانستند. قرآن هر رسمی را که موجب تضییع حقوق زنان میشد منسوخ کرد از جمله اینکه وقتی که همسری نسبت به زوجه اش نا امید و بی‌انگیزه می‌شد وی را مورد اذیت و مشقت قرار می‌داد و قصدش این بود که زوجه را به جدایی راضی کند تا تمام یا قسمتی از مهرا را پس بگیرد یا زن را از گرفتن مهر منصرف کند قرآن کریم فرمود *لَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ* یعنی و بر آنان سخت‌گیری و بهانه‌جویی نکنید که قسمتی از آنچه مهر آنها کرده‌اید به جور بگیرید، مگر آنکه عمل زشتی از آنها آشکار شود

در حال حاضر این پرسش مطرح می‌شود: آیا مرد و زن به یک اندازه از زندگی مشترک بهره‌مند می‌شوند و آیا رابطه زناشویی بر پایه‌ی منافع متقابل است؟ با این حال، چه توجیهی برای پرداخت مهر به زن وجود دارد، و آیا این موضوع به شأن زن آسیب می‌زند یا به نگاهی به ازدواج به عنوان معامله منجر می‌شود؟

به همین دلیل، برخی افراد با انتقاد شدیدی به مسئله مهر می‌پردازند، به‌خصوص در جوامع غربی که معمولاً این موضوع رایج نیست. این نفی مهر، به‌صورت غیرمستقیم بر افکار افرادی که تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار دارند، تأثیر می‌گذارد. در حقیقت، حذف مهر نه تنها به عزت نفس زن نمی‌افزاید، بلکه ممکن است وضعیت او را به خطر

بیندازد. به وضوح می‌توان گفت که هرچند زن و مرد به طور مشابه از زندگی مشترک بهره‌مند می‌شوند، اما در موارد جدایی، زن بیشتر از دیگران آسیب می‌بیند. به عنوان مثال، مردان به دلیل ویژگی‌های جسمانی و توانایی‌های اجتماعی خود معمولاً نفوذ و قدرت بیشتری در جامعه دارند. این واقعیت نه تنها در جوامع غیر اسلامی، بلکه حتی در جوامع مدعی برابری مانند برخی کشورهای غربی نیز مشهود است، جایی که فرصت‌های اقتصادی در دست مردان است. علاوه بر این، مردان در یافتن همسر جدید به نسبت زنان، به ویژه افرادی که از سنین خاصی گذشته‌اند و زیبایی و جوانی خود را از دست داده‌اند، با فرصت‌های بیشتری مواجهند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که زن با ازدواج از برخی امکانات و سرمایه‌های خود محروم می‌شود که بیشتر از آنچه مرد از دست می‌دهد، است. در واقع، مهر به عنوان نوعی جبران خسارت برای زن تلقی می‌شود و می‌تواند تضمینی برای زندگی آینده‌اش باشد. همچنین، مسئله مهر به عنوان یک عامل بازدارنده در مقابل تمایلات مرد به جدایی و طلاق عمل می‌کند.

مهر طبق قوانین اسلامی پس از عقد ازدواج بر عهده مرد قرار می‌گیرد و زن حق دارد که به‌طور فوری آن را مطالبه کند. با این وجود، به‌طور معمول مهر به عنوان یک بدهی بر عهده مرد باقی می‌ماند و به‌نوعی به عنوان اندوخته‌ای برای آینده زن به شمار می‌آید که می‌تواند به حمایت از حقوق او و استحکام پیوند زناشویی کمک کند (گرچه در برخی موارد ممکن است استثنائاتی وجود داشته باشد). اگر عده‌ای مهر را نادرست تفسیر کرده و آن را به مثابه "بهای زن" در نظر بگیرند، این مفهوم ارتباطی با قوانین اسلامی ندارد. در اسلام مهر به معنای قیمت‌گذاری بر روی فرد نیست و بهترین دلیل این امر، موجودیت صیغه عقد ازدواج است که در آن مرد و زن به‌عنوان دو رکن اصلی رابطه شناخته می‌شوند و مهر به‌عنوان یک عنصر فرعی تلقی می‌گردد. به این ترتیب، در صورتی که در صیغه عقد یادآوری از مهر نشود، ازدواج باطل نمی‌باشد. در حالی که در معاملات خرید و فروش، عدم ذکر قیمت منجر به باطل شدن معامله می‌شود. البته باید در نظر داشت که اگر تعیین مهر در عقد ازدواج فراموش شود، شوهر ملزم است در صورتی که رابطه جنسی برقرار شود، "مهر المثل" یا مهری به اندازه‌ی زنانی که در

همان سطح هستند، پرداخت نماید.

از این توضیحات نتیجه‌گیری می‌شود که مهر به عنوان نوعی جبران خسارت و ابزاری برای پاسداشت حقوق زن در نظر گرفته می‌شود، نه به عنوان قیمتی برای او. از این رو، تعبیر "نحله" به معنای عطیه در آیه نیز احتمالاً به همین مفهوم اشاره دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۳/۳۳۶)

انواع مهر

انواع مهر، بر اساس زمان تعیین آن، را می‌توان شامل ۴ قسم دانست:

مهر المسمی: از انواع مهر بوده و مالی است که در حین عقد نکاح دایم، با توافق طرفین، به عنوان مهریه زوجه، تعیین می‌شود. یکی از شایع‌ترین و رایج‌ترین نوع مهریه تعیینی در عقد های نکاح می‌باشد. مهر المسمی می‌تواند عین معین، کلی در معین، حق مالی، منفعت یا کار معین باشد بنابراین هرچیز معقول و نافع برای زوجه می‌تواند مهر باشد

مهر المثل: از دیگر انواع مهر که از جمله حقوق مالی زن در زندگی مشترک می‌باشد، مهر المثل می‌باشد که بر اساس ماده ۱۱۰۰ قانون مدنی، هنگامی که مهر المسمی؛ مجهول بوده، مالیت نداشته یا ملک غیر باشد، تعیین می‌شود. همچنین، ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی، شرط تعلق مهر المثل را زمانی میداند که مهریه، در حین نکاح دایم، ذکر نشده است، شرط، بر عدم مهریه شده است و زوجین، قبل از تعیین مهریه مشخص، با یکدیگر نزدیکی داشته‌اند. در این شرایط، کارشناس دادگاه، موقعیت خانوادگی، فردی، تحصیلی، شغلی و اجتماعی زن را مورد بررسی قرار می‌دهد و میزان مهریه را، با توجه به مهریه سایر اقارب و نزدیکان او، مشخص و تعیین می‌نماید.

مهر المتعه: ماده ۱۰۹۳ قانون مدنی، اشعار می‌دارد: "هر گاه مهر، در عقد، ذکر نشده باشد و شوهر، قبل از نزدیکی و تعیین مهر، زن خود را طلاق دهد، زن مستحق مهر المتعه است، و اگر بعد از آن، طلاق دهد، مستحق مهر المثل خواهد بود." بر اساس ماده ۱۰۸۴ قانون مدنی، بر خلاف تعیین مهر المثل، در تعیین مهر المتعه، وضعیت اقتصادی مرد، مورد توجه کارشناس دادگاه است، نه وضعیت و شخصیت زن.

مهر السنه: از انواع مهر بوده که تعریف آن، در قانون مدنی، بیان نشده است و برای فهم آن، باید به تعاریف فقهی رجوع کرد. مهر السنه، مهریه حضرت فاطمه، دختر پیامبر بوده و میزان آن، ۵۰۰ درهم می باشد. در صورتی که نوع مهر، در سند نکاحیه، مهر السنه درج شود، به نرخ روز، محاسبه خواهد شد.

تعیین مهر: تعیین مهر به اراده زوجین است لیکن در صورت فراموشی در عقد نکاح موقت به موجب ماده ۱۰۹۵ قانون مدنی عدم ذکر مهر موجب بطلان خواهد شد ولی در عقد دائم می توان یکی از زوجین را مسئول تعیین آن نمود. (روشن، ۱۴۰۰؛ ۱۸۸)

ویژگی مهریه

حال در انواع مهریه ها بخصوص مهرالمسمی، صحیح بودن مهریه مستلزم این است که مهریه شرایط خاصی داشته باشد. فقها و حقوقدانان چند مورد آن را ذکر نموده اند مثل ۱- مالیت داشتن ۲- قابل تملک بودن ۳- معلوم بودن مهر ۴- منفعت عقلایی و مشروع داشتن

مهریه نامتعارف

توجه به عملکرد خردمندان به طور کلی و دینداران به طور خاص می تواند به ما در درک مرزها و حدود احکام شرعی یاری رساند. سیره عقلای قوم و متشرعه در ادیان و فرهنگ های گوناگون نمایی روشن از قوانین مربوط به مهریه به ما ارائه می دهد. مهریه های غیرمتعارف سابقه ای تاریخی به دوران اولیه اسلام دارند. در زمان پیامبر (ص)، انواع مختلفی از مهریه ها پرداخت می شد، اما ایشان بر مهر السنه تأکید نمودند که مقدار آن به وضوح مشخص شده بود. (غروی، ۱۳۹۸؛ ۸۰)

امروزه در جامعه ما معضل گسترده ای بوجود آمده که متاثر از یک فرهنگ نادرستی است که باعث مشکلات اجتماعی، اقتصادی و حتی قضایی شده است. دور شدن از

فلسفه مهریه که در قدیم رسم برپرداخت آن در همان زمان عقد بود، هم در میزان مهریه و هم در پرداخت و مطالبه آن تاثیرگذار است. بدین نحو که اگر زوج در موقع عقد باید مهریه را پرداخت میکرد، مطمئناً میزان مهریه ها کمتر بود و هم اثر تورم (مخصوصاً در کشورهایی با تورم بسیار مثل کشور ما) بعداً باعث معسر شدن زوج، نمیشد مثلاً اگر زوج کارمند که میتواند ده سال قبل و در روز عقد ده سکه بپردازد آیا الان می تواند این مبلغ را به زوجه بپردازد؟

علی ایحال در این زمانه که مهریه ها روبه فزونی است باید به نظرات فقها و حقوقدانان رجوع کنیم و پی به مبنا نظرات آنها ببریم. بطور کلی دو مبنا در این مورد وجود دارد. گروهی موافق مهریه سنگین و گروهی مخالف اجرایی شدن آن هستند هرچند که روایاتی در استحباب مهریه کم موجود است و توصیه شده مقدار مهر به گونه‌ای باشد که مرد بتواند با آسودگی خاطر و رضایت قلبی آنرا بپذیرد. مانند حدیثی از رسول خدا (ع) که فرمودند بهترین زنان امت من، زیباترین آنها از لحاظ چهره و کم مهرترین آنها هستند. (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷؛ ۲۲۵۷)

در یک بررسی محدود که در میان مراجعان به دادگاه خانواده در تهران انجام شد، تنها ۱ درصد از درخواست‌های مرتبط با مطالبه مهریه موفق به دریافت حکم برای پرداخت کامل آن به یکباره شده بودند. در حالی که سایر درخواست‌ها با ادعای عدم توانایی مالی برای پرداخت کل مهریه و خواسته تقسیم آن مواجه گردیدند. در اکثر موارد نیز حکم مربوط به عدم توانایی مالی زوج صادر شده و به این ترتیب مهریه به اقساط تقسیم گردید. (روشن، ۲۰۱۴؛ ۲۰۶)

رویه فعلی قانونی در قبال مهریه نامتعارف:

قانونگذار برای جلوگیری از تعیین مهریه های سنگین و از سوی دیگر ممانعت از حبس مردان به دلیل عدم پرداخت مهریه، در تدبیری ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ در متن قانون پیشنهادی قوه قضائیه گنجانده و بر این اساس تشویق نموده تا بیش از سقف مندرج در مهریه تعیین نشود. این میزان مهریه نیز معیار و ملا خاصی ندارد و چه بسا همین نصاب در برخی از شهرها یا روستاها باعث افزایش نرخ مهریه

شده است.

تقسیم بندی جدید مهریه به شرح مندرج در ماده ۲۵ لایحه خانواده، هیچ گونه سابقه شرعی یا تقنینی ندارد و باید آن را بدعتی جدید در موضوع مهریه دانست هر چند که به لحاظ شرعی، ایرادی هم به این تقسیم بندی وارد به نظر نمی رسد. زیرا در اینجا، صرفاً بحث وجود ضمانت اجرای قهری برای مطالبه مهریه متعارف و عدم وجود چنین ضمانت اجرایی برای مطالبه مهریه های نامتعارف است. با این حال به نظر می رسد که این تقسیم بندی جدید خالی از ایراد و اشکال نیز نباشد. حسب سیاست تقنینی قانونگذار به نظر می رسد که هدف از تقسیم بندی مهریه به متعارف و نامتعارف در این شکل ارائه شده، تشویق زنان به تعیین مهریه های پائین و کاهش تجمل و چشم و هم چشمی و تفاخر از طریق تعیین مهریه های بالا و نجومی است تا به نوعی از طریق وضع قانون به تدریج در زمینه تعیین مهریه های معقول فرهنگ سازی شود؛ این در حالی است که اگر چه ممکن است زنان و خانواده های آنان در مقام تعیین مهریه، با اندیشه امکان اعمال ضمانت اجرای بازداشت شوهر جهت وصول مهریه، به تعیین مهریه های متعارف رضایت دهند، اما این بار باید منتظر آن بود تا مردان جهت فرار از اعمال ضمانت اجرای موضوع ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی و بازداشت، به تشویق خانواده همسر به تعیین مهریه های نامتعارف متوسل گردند و این بار، قضیه به صورت خلاف قاعده محقق شود. بعلاوه باید توجه داشت که خانواده ها در زمان تعیین میزان مهریه، اصولاً به وصول آن و اعمال ضمانت اجرای قانونی فکر نمی کنند تا با انگیزه بازداشت داماد در زمان استکاف از پرداخت مهریه، تن به تعیین مهریه های تعیین شده از ناحیه دولت دهند به هر شکل بر اساس این قانون تا سقف ۱۱۰ سکه اصل بر ملائت زوج گذاشته شده است و مازاد بر آن از وظیفه زوجه است که با ارائه اسناد و مدارک ملائت زوج را اثبات و آنگاه چنانچه ملائت اثبات شد و زوج از تادیه الباقی مهریه استنکاف ورزد مجدداً چون مستنکف بوده می توان او را در حبس نگه داشت. به هر شکل مازاد بر ۱۱۰ سکه یک دین مدنی است که از راهکارهای وصول دیون مدنی و تابع تشریفات حقوقی خواهد بود.

بر این اساس، رویه قضایی در ایران بدین صورت است که اگر مرد نتواند مهریه را به طور یکجا پرداخت کند، حکم به تقسیم آن به اقساط ماهانه به نفع زن صادر می‌شود. در برخی مواقع، مردان با انتقال نامشروع اموال خود به دیگران، که خود یک تخلف محسوب می‌شود، ادعای عدم توانایی و اعسار برای پرداخت مهریه را مطرح می‌کنند. این رویه نتوانسته است به طور مؤثری حقوق زنان را در زمینه مطالبه مهریه تأمین کند، به ویژه زمانی که مبلغ مهریه بالا باشد؛ چرا که تقسیم آن به اقساط ممکن است سال‌ها به طول بینجامد و عملاً زن نتواند از این حق بهره‌مند شود.

موافقان عدم سقف در مهریه

۱- مشهور فقها خصوصاً فقهای متقدم قایل به عدم حدود و ثغور در بحث مهریه شدند. یکی از دلایل قابل توجهی که در مذهب امامیه استناد شده و فقهای اهل سنت نیز به آن اشاره کرده‌اند، آیه ۲۰ سوره نساء است. این آیه به مسئله‌ای اشاره دارد که طبق آن، اگر فردی تصمیم به انتخاب همسر جدیدی به جای همسر قبلی خود بگیرد و مهریه‌ای سنگین به او پرداخت کرده باشد، نباید هیچ قسمتی از آن مهر را از او پس بگیرد. در تفسیر این آیه، واژه "قنطار" توسط بسیاری از فقها به معنای دارایی فراوان تفسیر می‌شود. (سعیدی، ۱۳۸۷؛ ۱۱۲)

شهید ثانی نیز به تبع از این نظریه، به آیات قرآنی (نساء: ۴، ۲۰ و ۲۴؛ بقره: ۲۳۷) و روایاتی از محمد بن مسلم (کلینی، ۴۵۷۵/ح ۱) و فضیل بن یسار (همان، ۳۷۸/ح ۳) و همچنین دو روایت از زراره (حرعاملی، ۲/۱۵، باب ۱، ح ۶ و ۹) به عنوان مستندات خود استناد می‌کند. او در استدلال‌هایش خاطرنشان می‌سازد که شواهد زیادی وجود دارد که در زمان صحابه و تابعین، مواردی از افزایش بر مهرالسنه رخ داده اما هیچ‌کس به آن انتقاد نکرده است؛ و همچنین مهریه را نوعی معاوضه می‌داند که باید مقدار آن مطابق توافق طرفین تعیین شود.

وی ادامه می‌دهد که ادله شرعی موجود در خصوص جواز مهریه‌های کم و زیاد به وضوح مشخص است و به ویژه باید به آیات نگاه کرد، زیرا در نظر سیدمرتضی، این آیات از جنبه حجیت بسیار مهم هستند. ولی در مورد خبرها، او فقط به متواترهای آن

اعتقاد دارد و در اینجا نیز خبری متواتر وجود ندارد. لذا ممکن است از اصل کلی سید استفاده شود که عموم به یک سیاق خاص تعلق ندارد، بنابراین این آیات می‌توانند نشان‌دهنده عموم یا خصوص باشند. شهید ثانی سپس استدلال خود را با انتقادی به دیدگاه سید ادامه می‌دهد و می‌گوید: از آنجا که خصوص مصداق معینی ندارد، نمی‌تواند به نظریه سید دلالت کند؛ زیرا خصوصیت می‌تواند به مهرالسنه و همچنین مقادیر کمتر یا بیشتر از آن اشاره نماید، بنابراین دلیلی برای الزام به رعایت میزان مهرالسنه وجود ندارد. پس، از آیات هم نمی‌توان نظر سید را استفاده نمود. و اگر آن را مستند به اجماع کردیم (اجماع این است که قدر متیقن در مهریه به اندازه مهرالسنه و کمتر از آن است) ما (شهیدثانی) تحقق چنین استنادی را قبول نداریم بلکه این آیه شریفه (نساء: ۲۰) ظاهر در هر قلیلی و کثیری میباشد، نه قدر متیقن را که به میزان مهرالسنه و کمتر از آن باشد. هم ایشان در ادامه استدلال خود اینگونه اظهار می‌دارد که: ما از استدلال سید در این مورد شگفت‌زده می‌شویم، زیرا او به‌طور کلی به اعتبار اخبار واحد اعتقادی ندارد. حتی اگر این خبر واحد، از جمله نقل‌های معتبر، مشهور و مطابق با اصول فقهی باشد، جای تعجب است که چگونه به چنین گزارشی استناد می‌کند. دلیل این تعجب از این قرار است: اولاً، این خبر به‌ندرت ممکن است به‌دست آید؛ دوم اینکه در زنجیره نقل آن، فردی به نام محمد بن سنان وجود دارد که هم به لحاظ اعتبار ضعیف است و هم به‌عنوان یک غالی شناخته می‌شود و تحت انتقاد قرار گرفته است؛ و در نهایت، مفضل بن عمر به‌اعتقاد نجاشی، دارای مذهب فاسدی است.

فاضل هندی در آثار خود (۷/ ۲۷۶ : ۴۰۲ - ۴۰۳) به تفسیر آیه‌ای از قرآن کریم (نساء ۲۰) و همچنین احادیثی از نقل‌های صحیح اشاره می‌کند، از جمله روایتی از صحیحہ و شاء (حر عاملی، ۱۹/۱۵: ح ۱) و محمد بن مسلم (همان، ۴۷۱: ح ۳) آمده و روایتی دیگر از زراره (همان ۴۷۲، ح ۹) و اصول دین را به‌عنوان مستندات خود بیان می‌نماید. مبنای استدلال او به آن صورت است که در کتب «انتصار» و «هدایه» صراحتاً بیان گشته است که مهریه نباید از پانصد درهم (معادل مهرالسنه) فراتر رود، و چنانچه این مقدار افزایش یابد، باید به مبلغ مهرالسنه کاهش یابد. و چه آنکه، با فهم و برداشت

از کتاب «من لایحضر» دو دلیل به دست می‌دهد: اول اجماع و دوم عدم وجود دلیلی بر افزایش مهرالسنه، که هر دو را غیرقابل قبول می‌شمارد. او در رد اجماع ادعا می‌کند که چنین توافقی در واقع وجود ندارد. درباره دلیل دوم می‌گوید که نیاز به مدرکی برای تعیین مقدار مهریه وجود دارد، نه برای اینکه بیش از مهرالسنه باشد؛ به این معنا که اگر کسی بخواهد سقفی برای مهریه تعیین کند، باید دلیل آن را ارائه کند. سپس او به دو خبر ضعیف از مفضل بن عمر و محمد بن اسحاق اشاره می‌کند و به دلیل ضعف این نقل‌ها، آنان را رد می‌نماید. فاضل هندی همچنین تصریح می‌کند که اکتفا به میزان مهرالسنه به منظور اتباع از ائمه (علیهم‌السلام) عمل درستی است. در پایان، او نکته‌ای را مطرح می‌کند که اگر کسی خواست مبلغی بیشتر از مهرالسنه را در نظر بگیرد، باید آن را تحت عنوان "نحله" تلقی کند، نه به عنوان مهریه اضافی. او این موضوع را به جهت پیروی از امام جواد (ع) توصیه می‌کند. زیرا در یک روایت (مجلسی، جلد ۲۴، حدیث ۱۰۰) اشاره شده که آن امام محترم، مهریه همسر خویش را معادل مهرالسنه تعیین کرده و مازاد بر آن را به عنوان نحله مشخص کرده است.

۲- دلیل دوم ماده ۱۰۸۹ قانون مدنی: ممکن است اختیار تعیین مهر به شوهر یا شخص ثالثی داده شود در این صورت شوهر یا شخص ثالث می‌تواند مهر را هر قدر بخواهد معین کند. از طرفی دیگر قاعده فقهی «اقدام» که به معنی پاسخگو بودن مقدم در قبال اعمالی است که به ضرر خود انجام می‌دهد نیز با این تقسیم بندی جدید ناسازگار است، زیرا کسی که با آزادی اراده و با اقدام خود مهریه ای سنگین برای همسرش تعیین می‌کند، خود نیز پاسخگو و متعهد پرداخت آن خواهد بود و لذا دخالت قانونگذار در این موارد ضمن آنکه آزادی اراده افراد را در قراردادهای خصوصی محدود می‌کند، مخالف قاعده اقدام نیز هست

۳- دلیل سوم عموم روایات مبین تعیین مهریه با تراضی زوجین است روایات متعددی تعیین مهریه به اختیار زوجین یگذاشتند. مانند روایات فضیل بن یسار از امام محمدباقر (ع) است که حضرت میفرماید الصداق ما تراضی علیه الناس قلیلا کان او کثیرا فهو الصداق؛ صداق چیزی است که مردم برآن توافق کنند، کم باشد یا زیاد (جعفری

از امام صادق(ع) در مورد میزان مهریه سوال شد ایشان در جواب فرمودند مهر آن چیزی است که متعاقدين بر آن توافق کنند

۴-دلیل بعدی اصل ازادی و حاکمیت اراده ماده ۱۰ قانون مدنی، اصل آزادی قراردادی را مورد تاکید و تایید قرار داده مقرر می‌دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد کرده‌اند در صورتی که خلاف صریح قانون نباشد نافذ است؛ از این رو، در نظام حقوقی ما، اصل آزادی اراده به عنوان یک اصل اساسی و قابل پذیرش شناخته می‌شود. بنابراین، فقط در موارد خاص که قانون محدودیت‌هایی برای اعتبار قراردادها ایجاد کرده، اراده افراد بر تصمیم‌گیری در ارتباط با قراردادهایشان حاکم است. یکی از مهم‌ترین پیامدهای اصل آزادی اراده این است که افراد می‌توانند قراردادهای خود را bajo هر عنوانی که انتخاب کنند، منعقد کنند و نتایج و آثار آن‌ها را به دلخواه خود تعیین نمایند.

۵-عدم شرطیت قدرت بر تسلیم مهریه پنجمین دلیلی است که بعضی از حقوق دانان به آن قائل اند.

در شرایط فعلی جوامع اسلامی بویژه در اغلب مناطق کشور ما مهریه بلافاصله مطالبه نمیشود بلکه ممکن است تنها بخشی از مهر آن هم با تصریح در حین عقد یا مذاکرات قبل از عقد برای تهیه جهیزیه و مانند آن مطالبه کرد.

از طرف دیگر مهر وضعیت خاص خود را دارد و چنانکه اشاره شد قانون‌گذار نسبت به رعایت شروط عمومی عقود درباره آن سهل‌انگاری به خرج داده. از مجموع این دو نکته بدست می‌آید که نه تنها تردید در قدرت بر تسلیم خللی به صحت مهر وارد نمی‌سازد بلکه علم به عدم امکان تسلیم مهر بلافاصله از عقد نیز چنانچه با توجه دو طرف به این امر همراه باشد درستی این مهر را مخدوش نمی‌نماید همین که احتمال توانایی بر پرداخت، هرچند بصورت تدریجی برود کافی است که مهر را صحیح بدانیم هرچند رقم مهر با توجه به شرایط کنونی شوهر، بسیار سنگین است. چه بسا وضعیت شوهر بر اثر وقایع پیش‌بینی نشده همچون ارث مال فروان تغییر کند و توانایی پرداخت مهریه سنگین را بیابد. (وحدتی شبیری ۱۹۸، ۱۳۸۷)

۶- ممکن است اینگونه بیان شود که پذیرش مهریه سنگین توسط مرد، زمانی که توانایی پرداخت آن را ندارد، عملی غیرعقلانی و به نوعی سفیهانه محسوب شود و به همین دلیل توافق صورت گرفته نیز بی اعتبار باشد. با این حال، واقعیت این است که ممکن است مرد به دلیل علاقه شدید به ازدواج و رغبت خاصی که برای جلب رضایت همسرش دارد، مهریه ای سنگین را بر عهده بگیرد. این گونه رفتارها لزوماً به عنوان اقداماتی سفیهانه یا غیرعقلانی به شمار نمی روند. برعکس، در برخی موارد ممکن است افراد ریش سفید یا عقلا مرد را سرزنش کنند که به دلیل مهریه سنگین، فرصت ازدواج مناسبی را از دست داده است.

۷- دلیل آخر هم آن است که استفتائاتی از مراجع معظم حوزه نشان می دهد که زوج باید مهریه ای را که توافق شده پردازد. امام خمینی اشاره کردند: مهر از لحاظ مقدار و اندازه، حدود مشخصی ندارد و اساس آن توافق بین زن و شوهر است. این مهر می تواند کم یا زیاد باشد، با این شرط که به قدری کم نباشد که دارای ارزش مالی نباشد. همچنین، در صورتی که مهر بیشتر از میزان معمول یعنی پانصد درهم تعیین شود، افزایش آن مستحب است. (موسوی الخمینی، ۱۳۸۳؛ ۴/۹۲)

پاسخ دفتر مقام معظم رهبری در مورد استفتایی که شده بود: به هر حال در اسلام حدی برای مهریه به نحوه لزوم معین نشده ولی هرچه کمتر باشد بهتر است و مستحب است که مقدار مهریه از مهرالسنة که پانصد درهم هست زیادتر نباشد و اختیارتعیین مهریه بدست زن و شوهر است.

همچنین آیت الله منتظری در پاسخ به استفتاء چنین پاسخ دادند: «سؤال ۳۶۹۳» آیا مرد می تواند مهریه را به قدری سنگین بگیرد که توان پرداخت آن را ندارد؟ و اگر چنین عقدی صورت بگیرد، آیا مضر به عقد نخواهد بود؟ جواب: از نظر شرعی عقد اشکالی ندارد، ولی اخلاقاً بلکه عقلاً کار صحیحی نیست. (منتظری، ۱۳۸۴؛ ۳۵۵)

آیت الله روحانی در استفتا صحت قرارداد مهریه سنگین چنین فرمودند: «باسمه جلت اسمائه؛ اشکال شرعی ندارد ولی آداب و رسوم اجتماع را رعایت نمودن بهتر است.

مرحوم الله آیت خوئی و همچنین الله آیت سیستانی می نویسند: هیچ محدودیتی

در مورد میزان مهر از لحاظ کمیت وجود ندارد و بنابراین هر توافقی که بین زن و شوهر حاصل شود، صحیح است. آیت الله صانعی در پاسخ به پرسشی درباره تعیین مهرهای سنگین که ممکن است مانع از ازدواج جوانان شود، بیان کردند که اگر مهر به صورت مطالباتی غیرنقدی تعیین شود، نمی‌تواند مانع ازدواج باشد. در نهایت، تعیین مهر به خود زوج و زوجه بستگی دارد و آنها باید در این مورد تصمیم‌گیری کنند. (توجهی، ۱۳۹۲: ۵۲)

مخالفان مهریه نامتعارف

۱- در مورد نظر اول موافقان مهریه سنگین، آیت الله مکارم شیرازی، برخلاف مشهور فقها در مورد ایه دو سوره نسا چنین استدلال فرمودند: لغویون دیگر هم همین گونه گفته‌اند، ولی اینطور نیست که این قول قیل را به عنوان معنی بپذیریم و به ایه برای اثبات مهریه سنگین استدلال کنیم، پس معنی لغوی قنطار این نیست و از ایه بیش از مال کثیر استفاده نمی‌شود. علاوه بر این نباید محکومات را به خاطر تشابهات کنار بگذاریم بلکه باید تشابهات را به وسیله محکومات تفسیر کرد، از جمله محکومات این است که معاملات سفهی باطل است خواه بیع باشد یا نکاح، و قاعده سفه منحصر به این مورد نیست بلکه در هبه و ابواب دیگر هم همین است. (مکارم، ۱۳۸۲: ۲۰) موضوع سفهی بودن مهریه‌های بالا در میان فقهای غیر معاصر چندان مطرح نشده و ممکن است این امر به دلیل نکته‌ای باشد که برخی از فقهای معاصر به دنبال توضیح آن در کلام صاحب جواهر در زمینه سفهی بودن متعه طولانی مدت، نسبت به وجود اجماع در این مسئله تردید دارند.

پاسخ دیگر این است که ادعای اجماع گفته شده در سوره نسا، یک اجماع مدرکی است که از نظر اصولیون حجت نیست.

۲- استدلال بعدی در مورد استثنا اصل آزادی قراردادها یعنی نظم عمومی و اخلاق حسنه است که مستند آن در ماده ۹۷۵ قانون مدنی آمده است: (محکمه نمی‌تواند

قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که بر خلاف اخلاق حسنه بوده و یا بواسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا بعلت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب میشود بموقع اجرا گذارد، اگرچه اجراء قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد).

این گروه معتقدند مهریه نامتعارف دارای اثر تخریبی فردی بر سلامت خانواده که مهم ترین رکن در نظام اجتماعی است، دارد و اثر اجتماعی آن هم عدم ازدواج جوانان است که خود دارای مفسده‌های بی‌شماری است. پس می‌توان مهریه نامتعارف را برخلاف اخلاق حسنه دانست. اگر اخلاق حسنه را در معنای لغوی و غیرحقوقی هم در نظر بگیریم، در تعارض با مهریه سنگین و نامتعارف است.

۳- قاعده لاضرر: یکی از قاعده‌های ثانویه بسیار مهم در فقه است که نشأت گرفته از حدیث پیامبر است که می‌فرماید لاضرر و لاضرار فی الاسلام. این قاعده بیان میکند حکمی که متضمن ضرر باشد توسط شارع جعل نشده. این اصل مهم در فقه و قانون مدنی هم موثر بوده. براساس دیدگاه مشهور فقها، قاعده لاضرر جمیع عبادات و معاملات را شامل می‌شود.

وقتی به مهریه‌های نامتعارف می‌نگریم در می‌یابیم که ضرر بسیار زیادی را برای مردان جامعه دارد آنهایی که تا سال‌های توان پرداخت را ندارند و باید برای عدم پرداخت آن زندانی شوند. که همین زندانی شدن هم باعث ضرر است. ضرری که اسلام آن را تایید نکرده است.

مفید است اشاره شود که در نظر صاحب عروه، اگر دختری مهریه‌ای بالاتر از مهرالمثل درخواست کند و پرداخت آن برای مرد ضررآور باشد، وی می‌تواند از ازدواج با آن دختر خودداری کند و به ازدواج با کنیز بپردازد؛ زیرا در این صورت قاعده "لا ضرر" قابل اجرا خواهد بود. (غروی، ۱۳۹۸، ۹۰)

۴- عده کمی از فقهای امامیه مبنا سید مرتضی را پذیرفتند. سید مرتضی روایتی است که مشهور آن را رد کرده اند و شگفت آنکه سید مرتضی آن را در کتاب انتصار از فتاوی و ویژه امامیه معرفی کرده. (محقق داماد، ۱۳۸۴، ۱۳۰) به نظر مرحوم سیدمرتضی نمی‌توان مهریه را بیش از پانصد درهم قرار داد به این میزان مهرالسنه گفته می‌شود و مراد مقدار مهری است که پیامبر اسلام به عنوان مهریه برای تمام همسرانشان قرار

داده‌اند. به عقیده سید مرتضی، اگر مهریه را بیش از این مقدار قرار دهند باید آن را به مهرالسنه باز گردانند. ایشان در زمینه مدعی اجماع شده‌اند و قول مخالف را به علمای عامه نسبت می‌دهد. این نظر را به مرحوم اسکافی و صدوق نسبت دادند. (سعیدی، ۱۳۸۷: ۱۱۱)

۵- در صورت شک در صحت مهریه نامتعارف براساس قاعده اصالة الفساد فی المعاملات حکم به فساد آن میشود.

۶- به نظر عده ای از فقها، عمده دلیل اعتبار شرط قدرت بر تسلیم، حدیث معروف غرر است. در این حدیث پیامبر اکرم از بیعی که در آن غرر وجود دارد نهی کرده و این نهی به معنای فساد معامله تلقی میشود (تسبیحی، ۱۳۹۶: ۵۴). از آنجایی که بعضی از حقوق دانان و فقها اعتبار غرر را فقط بر عقد بیع لازم می‌دانند باید گفت اعتبار غرر در انحصار بیع نیست و عنوان آن برای عمومیت بیع است حال آنکه در احکام تعیین کردن میزان مهریه معین گفته شده که باید غرر در آن نباشد

۷- بر اساس ظاهر آیه، به نظر می‌رسد قرآن برای مهریه هر میزانی که افراد بر آن توافق کنند، چه اندک و چه زیاد، مجوز قائل شده است. اما با تحلیل‌های دقیق‌تر، مشخص می‌شود که آیه ۲۵ سوره نساء بر حقوق زن تأکید دارد و مرد نمی‌تواند به بهانه‌ای نامعتبر، حتی با تهمت زدن به همسر، مالی را که قبلاً (هر مقدار که باشد، حتی اگر زیاد باشد) از او گرفته است، پس بگیرد و به همسر دوم منتقل کند. این آیه حاکی از احکام الهی برای پاسداشت حقوق زنان در جامعه اسلامی است و به زنان مسلمان افتخار می‌بخشد. در واقع، این حکم تأکید می‌کند که مرد موظف است حقوق همسر اول خود را به‌طور شایسته پرداخت کند. قرآن به هیچ‌کس اجازه نمی‌دهد که با هر روشی حقوق دیگران را نادیده بگیرد، اما این آیه مسلمانان را به تعیین مهریه‌های سنگین ترغیب نمی‌کند و نمی‌تواند دلیلی برای مطلوبیت مهرهای بالا باشد، زیرا با آیات موجود در قرآن که به زهد و زندگی ساده اشاره دارند، در تضاد است.

۸- مهریه نامتعارف و حکم عقل: یکی از واضح‌ترین موارد در مستقلات عقلی، مسأله حسن عدالت و قبح ظلم است. عقل انسان ظلم را در تمامی ابعاد زندگی غیرقابل

قبول می‌داند. در این راستا، یکی از عرصه‌هایی که عقل به قبح ظلم در آن حکم می‌کند، عقد نکاح و به‌ویژه مهریه‌های نامناسب است. بی‌شک، ظلم ناشی از چنین مهریه‌ای برای زوجین مسئله‌ای واضح است. از دیدگاه شارع حکیم، که خود به عنوان رئیس عقلای عالم شناخته می‌شود، مهریه‌های نامتناسب نیز از مصادیق ظلم به شمار می‌آید. این نوع مهریه‌ها می‌توانند موجب تزلزل بنیان خانواده و پیدایش تنش‌های مداوم میان زوجین شوند.

۹- استفتائاتی از چندین تن از مراجع معظم حوزه شده است که موید عدم اعتبار چنین مهریه‌هایی است.

سؤال ۱۰۰۳. آیا مهریه‌های سنگین که زوج قادر به پرداخت آن نیست باطل است؟ بسمه تعالی: هرگاه سنگینی مهریه به قدری باشد که عرفاً آن را یک نوع بازیچه تصور می‌کنند، مسلماً باطل است و اما اگر مهر به نوعی است که در جامعه رایج و دائر است ولی از قدرت فرد بیرون است چنین موردی تحت عمومات نکاح قرار می‌گیرد. و اگر مهریه مقید به عندالاستطاعه نباشد زن می‌تواند قبل از پرداخت، تمکین نکند. واللّٰه العالم (سبحانی، ۱۳۸۹؛ ۳۲۴)

در یک استفتاء از آیت الله مکارم شیرازی به تاریخ ۱۳۸۴/۹/۱۲ چنین آمده است. سؤال: در اخبار و رسانه‌ها آمده بود که خانمی صد و بیست و چهار هزار سکه بهار آزادی مهر خود قرار داده و سپس بر اثر ناسازگاری آن را به اجرا گذاشته چون شوهر بطور یقین نمی‌توانسته آن را بپردازد دادگاه آن را تقسیط کرده که هر ماه یک سکه بپردازد که مدت آن بیش از ده هزار سال میشود آیا چنین چیزی شرعاً صحیح است؟ «جواب: مهریه‌های کلان مانند آنچه در بالا آمده و حتی کمتر از آن باطل است زیرا هرگز قصد جدی در آن نمی‌باشد و به فرض که قصد جدی باشد جنبه سفهی دارد و باطل است و با توجه به باطل بودن مهریه مذکور وظیفه زوج آن است که مهرالمثل را بدهد»

حاکمیت و مصلحت سنجی

در ارتباط با امکان شناسایی مصالح و میزان آن، نظرات و جزئیات متعددی وجود دارد که نیاز به بررسی جداگانه دارد؛ با این حال، اصل امکان تشخیص مصالح، بدون در نظر گرفتن حدود و میزان آن، امری انکارناپذیر است. دسترسی به دلایل نقلی متعدد، سنخیت با مقاصد شریعت، حکم قطعی عقل، و نتیجه منطقی ادله ولایت فقیه، فرض عدم امکان درک مصالح و مفساد را غیرمحمتمل می‌سازد. در این راستا، مرجعیت فقیه به عنوان عالم دین در این زمینه حتی در صورت نیاز به نظرات کارشناسان در حوزه‌های مختلف، ضروری است؛ زیرا ارزیابی نهایی مصالح و مفساد تنها از طریق شناخت اصول کلی حاکم بر نظام اسلامی تحقق می‌یابد. این اصول به گونه‌ای طراحی شده‌اند که به منافع دنیوی و آخرتی توجه دارند و درک و اعمال احکام بر اساس آن‌ها مصداق واقعی مصلحت‌سنجی خواهد بود. (عزیزاللهی، ۱۳۹۹: ۱۰۱)

موضوع مورد بررسی در این بخش، تحلیل مسأله تزامم میان جواز مهریه‌های سنگین و مصالح عمومی مورد توجه حاکم شرع و قانون‌گذار است. اگر به‌طور کلی برخی از انواع مهریه‌های سنگین باطل باشد، نیازی به مداخله حاکمیت وجود ندارد و تنها باید به اجرای آن توجه شود، مگر آنکه حاکمیت تشخیص دهد که در برخی موارد اجازه مهریه‌های بالا دارای مصلحت عمومی است که این موارد به ندرت اتفاق می‌افتد. چالش اصلی، تضاد جواز مهریه‌های سنگین یا برخی از اقسام آن با مصالح عمومی است. از یک‌سو، حکم اولیه شرع بر جواز مهریه‌های سنگین و اساس رضایت طرفین را تأکید می‌کند و از سوی دیگر، مشکلاتی نظیر افزایش سن ازدواج، آسیب‌پذیری جوانان در برابر فساد، و اختلافات قضایی میان زوجین را به همراه دارد، که از مشکلات در مسیر دریافت مهریه و صف‌های طولانی ناشی می‌شود. بدون شک، شارع در تعیین میزان مهریه برای زوجین مصالح خاصی را در نظر گرفته و در عین حال به حفظ نظام و سلامت جامعه مسلمانان، ایجاد بستر مناسب برای ازدواج و جلوگیری از فساد، و اصل وصول مهریه برای زوج با تأکید می‌پردازد. اکنون و در عمل، به دلیل رایج شدن

مهریه‌های سنگین و ناتوانی در پرداخت آن‌ها، مسأله به چیزی غیرقابل جمع تبدیل شده است. از این رو، به نظر می‌رسد که لازم است حکومت به گونه‌ای در این روند مداخله کند که در ادامه به انواع مداخلات مشروع حاکمیت پرداخته خواهد شد.

نتیجه گیری

از آنجایی که در اسلام و سائر مکاتب دیگر ازدواج و زوجیت به عنوان یک اصل وجود دارد و بقیه احکام و حقوق به عنوان فرع در نظر گرفته میشوند باید این نکته را متوجه شد که مهر و محبت در یک خانواده باید یک مبنا باشد. در جایی که از طرف زوجه یا خانواده‌اش مهریه نامتعارف و سنگین به عنوان اهرم فشار بر روی یک خانواده سایه می‌اندازد نتیجه آن عدم رعایت این آیه از سوره نسا از قرآن کریم است (عاشروهن بالمعروف)، زیرا اساساً دید و نگرشی که زوج در این زندگی دارد با رفتار نیک به همسرش ختم نمی‌شود. پس از آنجایی که قرآن کریم می‌فرماید: وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قَنْطَرًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا و همه این‌ها در صورتی است که طرف قادر به پرداخت آن باشد بالفعل یا بالقوه. اما اگر طرف فاقد چنین استعدادی باشد صحت مهر مشکل است، چون اولاً انشاء جدی در این صورت امکان‌پذیر نیست، ثانیاً: چنین مهری عرفیت ندارد، قطعاً ادله «أوفوا بالعقود» شامل آن نیست. مهریه نامتعارف موجب حبس و زندان جوانان به دلیل عدم توانایی در پرداخت مهریه میشود. زمانی که پسران به خاطر تبعات و آفات مهریه نامتعارف از پذیرفتن همسر سر باز زنند، بسیاری از دختران در سن ازدواج و واجد شرایط نیز از یافتن همسر دلخواه محروم میمانند. مهریه نامتعارف باعث بروز مشکلات جامعه‌شناسی عدیده‌های همچون، گسترش طالق، زنان بیوه، زنان مجرد، کودکان بی سرپرست و گسترش فساد و بزه میشود. بر اساس قاعده «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع»، شارع حکیم به مثابه رئیس العقال، حکم به بطلان مهریه نامتعارف میکند. از این رو، حکم عقل میتواند به عنوان مستندی برای تردید در مبانی مهریه نامتعارف به کار رود.

در همه جوامع که ازدواج کردن که امر بسیار مهمی برای هر کشور و آینده آن هست، ایران نرخ ازدواج بسیار پایینی دارد که یکی از عوامل آن همین فرهنگ غلطی

است که جا افتاده. اگر مسئولان ذی ربط اقتصادی و فرهنگی راهی برای حل آن نگیرند منجر به مشکلات اخلاقی گسترده و گسترش فرهنگ فردگرایی و منفعت گرایی افراطی در جامعه می شود. حال میتوان در این زمینه بعضی از راهکار و پیشنهادات را ارایه داد مانند آن که پرداخت مهریه باید بصورت نقد باشد در روز عقد که اثر آن ایفای حق در حق زوجه است (برخلاف سخن عرفی مهریه را کی داده و کی پس گرفته) و هم مطمئنا مهریه به میزان دارایی واقعی مرد است پس دیگر مهریه نامتعارف نداریم. از دیگر پیشنهاداتی هم می توان اشاره نمود، مهریه های سنگین رایج در ازدواج های موجود را مهر حال ندانیم و بر این اساس معتقدیم در چنین مهریه هایی حق حبس برای زن نسبت به پرداخت کامل مهر وجود ندارد. پس با توجه به آن چه گذشت مهریه نامتعارف مخصوصا در جامعه کنونی دچار چالش جدی است لذا تجدیدنظر در قوانین مرتبط ضروری می رسد.

منابع:

کتب:

- ابن منظور، محمد بن مكرم، (۱۳۷۵) لسان العرب، جلد ۲، نشر دار البیروت
- سبجانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۹) استفتانات، قم: موسسه امام جعفر صادق.
- شهیدثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳ق) مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الاسلام، قم، مؤسسه معارف اسلامی
- روشن، محمد (۱۴۰۰) حقوق خانواده، تهران: انتشارات جنگل.
- فاضل هندی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶) كشف اللثام عن قواعد الاحكام، قم، موسسه نشر اسلامی
- قمی، علی بن محمد، (۱۳۷۹) جامع الخلاف و الوفاق بین الإمامیه و بین الأئمة الحجاز و العراق، قم، زمینه سازان ظهور امام عصر (عج)
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸ق) الاصول من الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۴) بررسی فقهی حقوق خانواده، تهران: نشر علوم انسانی
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷) میزان الحکمه، ترجمه رضا شیخی، دارالحدیث
- موسوی الخمینی، سیدروح الله (۱۳۸۳) تحریر الوسیله ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۴، قم، انتشارات موسسه دارالعلم
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۹) تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیه
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲) کتاب النکاح، قم؛ انتشارات امام علی ابن ابی طالب
- منتظری، حسینعلی، (۱۳۸۴) رساله استفتائات، جلد سوم، تهران؛ نشر سایه
- نجفی، محمدحسین، (۱۴۳۲ق) جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، موسسه دار الکتب الإسلامیه
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۸۲ق) فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، قم، موسسه دایره المعارف فقه اسلامی

مقاله و پایان نامه

- تسبیحی، علی اصغر (۱۳۹۶) اعتبار مهریه‌های سنگین در فقه و حقوق، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت
- توجهی، عبدالعلی (۱۳۹۲) جایگاه مهریه‌های سنگین، آرا فقها و حقوق موضوعه، پژوهش نامه زنان، شماره اول
- سعیدی، محمدعلی (۱۳۸۷) بررسی اعتبار حقوقی مهریه‌های سنگین، فصلنامه حقوق شماره ۱۰۱
- عزیزاللهی، زهرا (۱۳۹۹) مهریه‌های سنگین و نقش حاکمیت، گفتمان فقه حکومتی، شماره ۶
- غروی، حسن (۱۳۹۸) بررسی انتقادی مبانی فقهی صحت مهریه نامتعارف در فقه امامیه، مبانی فقهی حقیق اسلامی شماره ۲۴
- جعفری، علی (۱۳۹۶) امکان سنجی فقهی تحدید مهریه، پژوهش‌های فقهی دوره ۱۱ شماره ۲
- وحدتی شبیری (۱۳۸۷) وضعیت حقوقی مهریه‌های سنگین در نکاح دائم، مطالعات اسلامی فقه و اصول